

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ فیبروری ۲۰۲۳

## ابراز انزجار از طالب کافی نیست، می باید "طالبیسم" را به زباله دان تاریخ سپرد! (۵)

یکشنبه-۲۳ دلو ۱۴۰۱ - کابل: تا اینجا ننگاشته دیدیم که طالب چگونه از یک انسان عادی، از یک دهقان بچه فقیر به یک مائین جنگی بی احساس مبدل می گردد و این را هم دیدیم آن چیزی که چنین استحالته ای را در وجود یک انسان به وجود می آورد، مکتب، مدرسه و بستر پرورش آن دهقان بچه است که ما آن را "طالبیسم" نام گذاشتیم. در این قسمت مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

اولتر از همه باید بنویسیم که در این مختصر به هیچ وجه قصد ندارم و اگر قصد هم داشته باشم از حدود صلاحیت من بیرون است تا "طالبیسم" را در کل از لحاظ ایدئولوژیک مورد بحث قرار داده تفاوت های آن را با سایر نهاد های بنیادگرا چه مشابه و چه مغایر با آن بکشایم، بلکه بر مبنای مقدماتی که تا حال فراهم شده است، می خواهم "طالبیسم" را نه بر مبنای گفتار و کتابهای شان، بلکه بر مبنای عملکردی که مسلماً آن اعمال تبارز مبنای اعتقادی شان می باشد، به بحث بگیرم.

از چنین منظری می توان "طالبیسم" را محراق تمرکز "تحرر فکری، نادانی، قوم پرستی، زورگویی، خود مرکز بینی، خود را حق مطلق پنداری، زنان را عامل بدبختی و دستیار و شاگرد شیطان دانستن، در یک کلام تافته جدا بافته ای تمام انسانها و انسانیت دانستن" معرفی داشت.

هموطنان گرامی!

در اینجا قبل از آن که "طالبیسم" را در جامعه جست و جو و به جنگ با آن برویم، بیائید نخست آن را در وجود فرد فرد خودما سراغ بگیریم:

نخست از خود بپرسیم تا چه حد حاضریم اندیشه ها و طرز تفکرهای جدید را حتا اگر نمی پذیریم با تفاهم آن را تحمل نمائیم، یعنی هرگاه شنیدیم که گویا فردی حرف هائی می زند که تا آنزمان نشنیده ایم، به اصطلاح نه در قرآن آمده و نه هم پیغمبر آن را گفته، آن حرف را ارتداد نمی دانیم و دیو مهیب جهالت ما را به جان وی رها نمی سازیم و چون فرخنده وی را شکنجه نمی دهیم و سر انجام آتش نمی زنیم؟

به همین سان به مرض قوم پرستی دست و پای نمی زنیم یعنی در صدد آن نیستیم که از کار و عملکرد زشت و ضد انسانی قوم و تبار خود به دفاع برخیزیم و یا آن را توجیه نمائیم، مگر عین عمل را از یک قوم دیگر، بزرگتر از کوه های بابا و هندوکش بسازیم؟

از خود بپرسیم که تا چه اندازه اخلاق زورگویانه و مستبدانه را در وجود خود کشته ایم، آیا شده است که در خانواده یک مسأله و یک بحث را از طریق مفاهمه و در نهایت اقتناع و یا نظریه‌گری حل نموده باشیم و یا همیشه حرف ما حرف اول و آخر بوده است؟

آیا هیچ بدین فکر افتاده ایم که نکند در فلان موضوع و مسأله من دچار اشتباه شده باشم و یا عکس آن همیشه معتقد بوده ایم که "حق به جانب من است" من اشتباه ناپذیرم و حق مطلق را نمایندگی می نمایم. آیا این جرأت و شهامت در ما وجود دارد که به محض درک اشتباه خود، ضمن تصحیح اشتباه و رفع آن، از دیگران پوزش بخواهیم و از خود انتقاد نمائیم؟

از تمام اینها گذشته، آیا تا حال قادر شده ایم که داشته های ذهنی و باورهای ما را در قبال تساوی حقوق بین زن و مرد با عملکرد روزمره ما مطابق بسازیم؟ یعنی به همان سان که برای پسر خود حق می دهیم روزی بگوید فلان دختر را دوست دارد و می خواهد با وی ازدواج نماید، برای دختر خود نیز عین حق را قابل شویم، آنهم به قسمی که اگر در یک روز دختر ما دست در دست یک پسر وارد خانه شود و بگوید "من می خواهم با این پسر ازدواج کنم" از خشم منفجر نمی شویم و جهالت خود را زیر نام افغانیت پنهان نمی کنیم و با مشت و لگد و یا هم اسلحه گرم و سرد، پاسخ آن خواست طبیعی و انسانی را نمی دهیم؟ ....

هموطنان گرامی!

تمام این نکاتی را مختصراً بیان داشتیم در واقعیت امر، "طالبیسم"ی است که در ذهن و شخصیت و رفتار خود ما وجود دارد. این را باید بدانیم مادامی که ما نتوانیم در گام نخست خود را از این منجلاب عقیدتی بیرون نمائیم و نتوانیم سلوک و رفتار خود را انسانی و دموکراتیک بسازیم، مادامی که نتوانیم تحمل عقاید دیگران را نمائیم، مادامی که نتوانیم از کاربرد همیشگی زور اجتناب نمائیم، مادامی که نتوانیم ذهن خود را برای پذیرش افکار، اعتقادات و اعمال جدید باز نمائیم و ... به هر نگی که لباس ببوشیم و به هر شکلی که در جامعه خود را معرفی نمائیم، در واقعیت امر همان طالب بچه تفنگ به دست هستیم، منتها با مقداری آرایش که به محض اندکترین تغییر، ماهیت طالبی ما آشکار خواهد شد.

هموطنان گرامی!

صفات را که در تمام این سلسله در مورد ماهیت "طالبیسم" از آنها نام برده شد مطمئناً به درجات مختلف در جامعه وجود دارد، ما هم آن را از جامعه گرفته ایم پس بیانید همزمان با آن که می کوشیم این صفات را در جامعه از بین ببریم و با از بین بردن "طالبیسم"، طالب و نظام ملاسالار را به زباله دان تاریخ بسپاریم، عین صفات زشت، ناپسند و ضد انسانی را در وجود خود نیز از بین ببریم. این را فراموش ننمائیم که تغییر جهان فقط با انسان تغییر یافته ممکن است و این را هم بدانیم که تغییر خود در بعضی موارد دشوار تر از تغییر جهان می باشد.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**